

The Qur'an's permission to the Prophet to have more than four spouses

بررسی جواز تعداد همسران پیامبر به بیش از چهار همسر در قرآن

N. Naghshbandi¹
R. Eslahjo²

1- Assistant Professor of University of Kurdistan
2- M.Sc., Kurdistan University, Sanandaj, Iran

Received Date: 2019/1/10
Accepted Date: 2019/3/13

Abstract

The subject of this article is about a misgiving about The Prophet of the Islam. That is the multiple spouses having the prophet Muhammad and the purpose of this in the Qur'an, Proving is the only special permission for the Prophet to have more than four spouses simultaneously. The special reasons for this permission and quality are revealed by recounting a number of historical occurrences plus the reasons for sending a number of verses from the Sura al-Ahzab and the Sura al-Nisa' surah. When The Prophet empowered The Prophet's spouses, they excelled God and the Prophet on the world and God forbade the divorce of these women by the Prophet for what they did. The Prophet was allowed to have more than four spouses even after a restriction for this reason. This research is conducted in a library-based and descriptive manner, and is a type of content analysis.

Keywords: multiple spouses, Features of the Prophet : The Prophet's spouses,

نوید نقشبندی^۱
رئوف اصلاح جو^۲

۱. استادیار دانشگاه کردستان، سنندج، ایران
۲. کارشناسی ارشد، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

دریافت مقاله: ۹۷/۱۰/۲۰
پذیرش مقاله: ۹۷/۱۲/۲۲

چکیده

موضوع پژوهش حاضر، بررسی جواز انحصاری تعدد زوجات به بیش از چهار همسر به پیامبر با استفاده از آیات قرآن است. هدف از این پژوهش، رفع یک ابهام تاریخی در مورد پیامبر و اثبات اختصاصی بودن این جواز با استفاده از آیات قرآن است. بازخوانی برخی وقایع تاریخی و بررسی اسباب نزول آیاتی از سوره‌های نساء و احزاب، چگونگی و دلایل اختصاصی بودن این جواز را مشخص می‌کند. وقتی حضرت رسول ایشان را بین خدا و رسول از یک طرف و دنیا اختیار داد این زنان، خدا و رسول را برگزیدند و خداوند در عوض طلاق دادن آن زنان را بر پیامبر حرام کرد. بعد از محدود شدن زنان برای مردان مسلمان به چهار همسر، چون برای پیامبر از پیش منع شده بود که زانش را طلاق دهد؛ لذا برای ایشان جایز شد که بیش از چهار همسر داشته باشد. این تحقیق با روش کتابخانه‌ای انجام شده و مبتنی بر شیوه توصیفی و از نوع تحلیل محتواست.

کلید واژه‌ها: تعدد زوجات، خصائص پیامبر، زنان پیامبر.

مقدمه

تعدد زوجات در اسلام در هر شرایطی جایز نیست و شروط خاصی دارد. تعدد زوجات فقط برای افرادی که بدان نیاز دارند و به عدالت خود باور دارند جایز است. چون تحقق شرط عدالت دشوار است و تعدد زوجات ضررهایی مانند ایجاد دشمنی میان زنان و فرزندان و مشکلات خانوادگی دیگری دارد، گویی به نوعی از تعدد زوجات نهی شده است (رشید رضا، ۲۰۰۷، ۴/۲۴۴).

به دلیل شرایط خاص حضرت عیسی، به نادرست این تصور در میان مسیحیان رشد کرده است که پیامبران باید از دنیا و لذات دنیا دور باشند؛ و یکی از ایراداتی که نسبت به پیامبر اسلام مطرح می‌کنند این است که ایشان نه تنها ازدواج کرده است؛ بلکه همسران زیادی هم داشته است. علمای مسیحی حتی گاه ایجاد سنت تعدد زوجات را به ایشان منسوب می‌کردند «علمای دینی در قرون وسطی چنین تصور می‌کردند که تعدد زوجات از ابتکارات پیامبر اسلام است در حالی که چنین نیست و در اجتماعات اولیه، اصل چند همسری، روشی متداول و رایج بوده است (ویل دورانت، ۱۳۷۸، ۱/۴۷)».

واکاوی و بررسی پدیده چند همسری در تاریخ بشری و در گستره جغرافیای انسانی می‌تواند موضوع چندین تحقیق و رساله علمی باشد. تحقیق حاضر بازشناسی گوشه‌ای از موضوع تعدد همسران پیامبر اسلام است و بدون آنکه سابقه تعدد زوجات در جامعه عربی را بررسی کند، یا بدون آنکه به صورت مفصل به دلایل تعدد زوجات پیامبر بپردازد؛ صرفاً به موضوع جواز داشتن بیش از چهار همسر برای ایشان پرداخته است؛ حال آنکه بر طبق شریعت اسلام و دستور قرآن، داشتن بیش از چهار زن برای مرد مسلمان ممنوع و حرام شده است. نگارندگان این تحقیق اعتقاد دارند که پیامبر همسرانش را بر اساس عرف رایج عقد نموده است و بعد از تحدید تعدد زوجات به چهار همسر، بقای آن زنان در نکاح پیامبر از اختصاصات ایشان است. اختصاصات پیامبر عبارت است از مواردی شرعی که به صورت امر یا نهی یا جواز، فقط به ایشان اختصاص داشته و تبعیت از آنها برای امت اسلامی جایز نیست؛ مانند وجوب نماز شب و جواز صوم وصال و جواز عدم پرداخت مهریه.

پیشینه تحقیق

مزنی که از شاگردان شافعی بود برای اولین بار در زمینه احکام اختصاصی پیامبر مطلب نوشت. بعضی از کتب فقهی مالکیان و شافعیان و حنابله در ابتدای کتاب النکاح به موضوع اختصاصات النبی پرداخته و ازدواج با بیش از چهار همسر را از اختصاصات ایشان شمرده‌اند. همچنان مفسران، سیره نویسان و کسانی که در زمینه زوجات الرسول یا امهات المؤمنین کتاب نوشته‌اند، ازدواج پیامبر با این تعداد همسران را از ویژگی‌های خاص آن حضرت بر شمرده‌اند (شربینی، ۲۰۰۹م، ۱۶۷/۳)؛ (نووی، ۲۰۰۳م، ۳۴۴/۵)؛ (ماوردی، ۲۰۰۳م، ۸/۹)؛ (قرطبی، ۲۰۰۳م، ۴۵/۳).

عزین عبدالسلام، کتاب *بداية السؤل و ابن الملّقن*، کتاب *غایة السؤل* را در مورد خصائص تشریحی پیامبر نوشته‌اند. ابوعلی خیران بر این باور بود که تاریخ این احکام به سرآمده و نیازی به ذکر آنها نیست، لذا در کتاب *الخصائص*، احکام اختصاصی را ذکر ننمود که البته سایر اصحاب شافعیه با او مخالفت نموده‌اند (عامری، ۲۰۰۹م، ۴۴۴).

فقهاء از این جهت به احکام اختصاصی می‌پردازند که این دسته از احکام زیر مجموعه حکم شرعی‌اند و به فعل مکلف تعلق دارند؛ یعنی فقیه بدین خاطر به این حوزه ورود پیدا می‌کند تا بیان کند که چه حکمی از احکام خمس به طور اختصاصی به شخص پیامبر تعلق گرفته است.

اصولیان نیز اتفاق نظر دارند که در قیاس، یکی از شرایط حکم اصل (مقیس علیه) آن است که قاصر و اختصاصی نباشد؛ یعنی قابل تعدی به فرع باشد. مثلاً اینکه پیامبر در قضاوت، شهادت خزیمه را به جای شهادت دو نفر پذیرفت. این جواز فقط برای خزیمه است و قابل سرایت به شخص دیگری نمی‌باشد. زیرا حکم مقیس علیه (اصل) اختصاصی است (زحیلی، ۱۴۲۲ق، ۶۶)؛ (هیتو، ۲۰۰۹م، ۳۸۷).

ازدواج‌های پیامبر

پیامبر در ۲۵ سالگی با (خدیده بنت خویلد) بیوه‌ای که پیشتر دو بار ازدواج نموده و با ایشان فاصله سنی زیادی داشت، ازدواج کرد و تا ایشان در قید حیات بودند، همسر دیگری را انتخاب ننمود. رسول خدا هنگام وفات خدیجه که سه سال قبل از هجرت بود؛ ۵۰ سال سن داشت و با سوده که مادر پنج فرزند بود ازدواج کرد. در سال اول هجری عایشه را عقد کرد و در سال دوم با ایشان ازدواج کرد. در

سال سوم، حفصه را عقد نمود و در همان سال با زینب ازدواج کرد که فقط هشت ماه همسر پیامبر بود و درگذشت. در سال چهارم با هند (ام سلمه) ازدواج کرد و در سال پنجم به امر الهی زینب بنت جحش را به عقد خود درآورد. در همان سال با جویریة دختر حارث یهودی سید قبیله بنی مصطلق و در سال ششم با صفیه و در سال هفتم با رمله (أم حبیبه) دختر ابو سفیان و در همان سال با میمونه و ماریه وصلت کرد (مبارکفوری، ۱۹۹۱، ۴۳۴).

همانگونه که ملاحظه می‌شود؛ بیشتر ازدواجهای پیامبر در یک محدوده زمانی پنج ساله، از سال دوم تا سال هفت هجری بوده است. به نظر می‌رسد که این ازدواجها به دلیل رعایت مصالح سیاسی و اجتماعی و برای دعوت به اسلام بوده است. مثلاً چون ایشان از جانب انصار خطری را احساس نکرده و در شهر آنان یعنی مدینه سکونت داشت؛ لذا از آنان زن نگرفت. ایشان همسرانش را از میان قبایل مختلفی مانند قبیله تیم، عدی، بنو اسد، بنو مخزوم، بنو امیه، خزاعه، بنو هلال و بنو نضیر انتخاب نمود تا مسیر دعوت را هموار نماید. ازدواج با زینب بنت جحش هم جهت لغو قانون پسرخواندگی بود. ازدواج با ام حبیبه دختر ابوسفیان، صفیه از بنو نضیر و جویریة دختر رئیس قبیله بنو مصطلق کاملاً اهداف سیاسی داشت و قصد داشت از عداوت و کینه‌های بین قریش بکاهد.

آیات مرتبط با تعدد زوجات پیامبر

در قرآن در دو سوره در مورد همسران پیامبر و ازدواجهای ایشان سخن رفته است: یکی در سوره نساء (آیه دوم و سوم) و یکی در سوره احزاب (آیات ۲۸ و ۲۹ و ۵۰). در سوره نساء به طور کلی در مورد تعدد همسران سخن گفته است که غیر مستقیم به همسران پیامبر مرتبط می‌شود؛ لذا ابتدا آن را مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

آیات دوم و سوم سوره نساء

آیه دوم سوره نساء (وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا) است که آیه تحدید همسران به چهار، بعد از آن آمده است. این آیه در مورد مردی غطفانی نازل شد که برادرزاده‌های یتیمش را که مال فراوانی داشتند، سرپرستی می‌کرد. وقتی که آنان به

سن رشد رسیدند و اموالشان را مطالبه نمودند؛ آن مرد آن اموال را باز پس نداد. آنان نزد پیامبر رفتند و این آیه نازل شد، وقتی مرد غطفانی آیه را شنید، گفت: خدا و پیامبر را اطاعت کردم (بغوی، ۱۴۲۳، ۱۵۹/۲).

پیامبر در غزوه ذات الرقاع با غطفان روبرو شد و اهل غطفان بعد از سال پنجم هجری اسلام آورده‌اند(ابن عاشور، بی تا، ۲۱۲/۴). اگر چه اغلب سیره نویسان می‌گویند: این غزوه در سال چهارم رخ داده است، اما حضور ابو موسی اشعری - که در خیبر (سال ۷ هـ) به پیامبر ملحق شد - و ابو هریره - که چند روز قبل از خیبر به اسلام گروید - بر این دلالت دارد که ذات الرقاع بعد از خیبر و در ربیع الأول سال هفتم بوده است. (مبارکفوری، ۱۹۹۱م، ۲۷۱). بخاری حدیث غزوه ذات الرقاع را از ابو موسی اشعری که خود در آن حضور داشته روایت می‌کند و ابن حجر در شرح آن آورده است که ابوموسی بعد از خیبر، از حبشه برگشته است. ایشان این حدیث را صحیح دانسته و جهت اثبات وقوع ذات الرقاع بعد از خیبر به آن احتجاج می‌کند (ابن حجر، ۲۰۰۰م، ۱۸۱/۸). با توجه به این آیات می‌توان گفت که آیات اول سوره نساء که دلالت بر تحدید همسران دارد؛ بعد از سال هفتم نازل شده است.

آیه‌ای که در مورد تعداد مجاز زنان برای مردان مسلمانان سخن می‌گوید؛ آیه سوم سوره نساء است. در این آیه چنین آمده است که: (وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكُمْ آدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا). (اگر ترسیدید که درباره یتیمان نتوانید دادگری کنید با زنان دیگری که برای شما حلالند و دوست دارید ازدواج کنید؛ با دو یا سه یا چهار زن. اگر هم می‌ترسید که نتوانید میان آن زنان دادگری را مراعات دارید، به یک زن اکتفاء کنید یا با کنیزان خود ازدواج ننمائید. این سبب می‌شود که کمتر دچار کجروی و ستم شوید. نساء: ۳)

سوره نساء در مدینه نازل شده و در ترتیب مصحف، چهارمین سوره و در ترتیب نزول، نود و دومین سوره قرآن است. پیش از آن سوره ممتحنه و پس از آن سوره زلزال نازل شده است. ابن عباس می‌گوید: سوره‌های بقره، انفال، آل عمران، احزاب، ممتحنه و نساء، به ترتیب در مدینه نازل شده‌اند. سوره نساء در

طول چند سال بر پیامبر نازل شده و بعضی از آیات آن بعد از واقعه احزاب و در سال چهارم یا اوایل سال پنجم هجری و بعد از صلح حدیبیه نازل شده است (ابن عاشور، بی تا، ۴/ ۵، ۶).

در مورد سبب نزول آیه سوم سوره نساء سه روایت ذکر شده است:

روایت اول: روایت عروه ابن زبیر که از عائشه روایت می‌کند که این آیه در مورد دختر یتیمی است که تحت سرپرستی شخصی بزرگ می‌شد، و سرپرست او خواست بدون این که مهریه‌اش را پرداخت نماید با وی ازدواج کند. این بود که چنین سرپرستانی از ازدواج با چنین دخترانی نهی شدند، مگر این که با ایشان دادگری نمایند و بالاترین مهریه مرسوم را به ایشان پردازند و به سرپرستان، دستور داده شد که با زنان دیگری جز ایشان ازدواج نکنند (مسلم، ۱۹۹۸م، ۷۸۴).

روایت دوم: روایت عکرمه که می‌گوید: این آیه در مورد قریش نازل شد. گاه یک مردی قریشی با ده خانم ازدواج می‌کرد و هرگاه دست تنگ می‌شد از اموال ایتام تحت تکفلش هزینه می‌کرد (ابوحیان، ۲۰۰۲م، ۳/ ۲۲۶).

روایت سوم: روایت ابن عباس، ابن جبیر، قتاده و سدی که گویند: عربها از اموال ایتام خودداری می‌کردند اما از ظلم به زنان حذر نمی‌نمودند. این آیه در این خصوص نازل شد، یعنی همچنانکه از اموال ایتام خودداری می‌کنید از ظلم به زنان نیز بپرهیزید و به اندازه توان مالی زن بگیریید تا از ظلم به آنان دوری کرده باشید (ابوحیان، ۲۰۰۲م، ۳/ ۲۲۶)؛ (ماوردی، ۲۰۰۳، ۱/ ۴۴۸).

ترجیح: روایت اول یعنی روایت عایشه، از حیث سند و رتبه برتر است، زیرا سایر اقوال، روایات مرسله از عکرمه، سعید بن جبیر و حسن می‌باشند. ابن کثیر به روایت عایشه بسنده کرده و سایر روایات را ذکر ننموده است. شیخ قرطبی نیز بعد از ذکر این اقوال گوید: اصح این اقوال قول عایشه است (مزینی، ۱۴۲۷ق، ۱/ ۳۶۳).

مصادیق آیه سوم سوره نساء

با مسلمان شدن نوفل بن معاویه، غیلان ثقفی و قیس بن حارث در سالهای هشتم و نهم هجری که بیش از چهار همسر را در نکاح داشتند، این آیات مصادیقی یافت. تا آنجا که پژوهشگر این مقاله جستجو کرده است؛ فقط این سه نفر از میان مومنان، بیش از چهار همسر داشته‌اند.

۱- نوفل بن معاویه.

نوفل بن معاویه الدیلی در سال هشتم در فتح مکه ایمان آورد و در حنین و طائف مشارکت داشت. (ابن کثیر، ۱۹۹۸م، ۷/۷۶) عَنْ نَوْفَلِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الدِّيْلِيِّ، قَالَ: أَسْلَمْتُ وَتَحْتِي خَمْسُ نِسْوَةٍ، فَسَأَلْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: فَارِقُ وَاحِدَةً، وَأَمْسِكِ أَرْبَعًا، (شافعی، ۱۹۵۱، ۲/۱۶) (از نوفل بن معاویه دیلی نقل است که وقتی که مسلمان شدم؛ پنج همسر داشتم. از پیامبر پرسیدم و ایشان فرمودند که یکی را طلاق بده و چهار همسر را نگهدار).

این روایت را فقط شافعی در مسند آورده است و سایرین نیز آن را از طریق ایشان روایت نموده‌اند.

۲- غیلان ثقفی

غیلان بن سلمه، شاعر و حکیم ثقفی قبل از ایمان آوردنش ده همسر را در نکاح داشت و همه در جنگ طائف، ایمان آوردند، پیامبر دستور داد تا چهار تن از آنان را اختیار نماید. (مبارکفوری، ۲۰۰۱م، ۳/۵۹۸)؛ (زرکلی، ۲۰۰۲م، ۵/۱۲۴) جنگ با طائف در امتداد جنگ حنین در شوال سال هشتم رخ داده است. (ابن هشام، ۲۰۰۰م، ۲/۴۰۵) عسقلانی در الاصابه می‌نویسد: غیلان ثقفی بعد از جنگ طائف (نه در جنگ طائف) ایمان آورده است. (ابن حجر، ۱۴۱۵ق، ۵/۱۹۲) شواهد تاریخی، قول عسقلانی را تقویت می‌کند، زیرا عروه بن مسعود ثقفی پس از بازگشت پیامبر از جنگ طائف در ذی‌عقده سال هشتم پیش از آنکه پیامبر به مدینه برسد، نزد آن حضرت رفت و اسلام آورد. آنگاه به سوی قوم خود بازگشت و آنان را به سوی اسلام دعوت نمود و از آنجا که رئیس قوم خود بود و همه گوش به فرمان او بودند و در میان آنان جایگاه خوبی داشت، گمان می‌کرد که از او فرمان می‌برند. اما همینکه آنان را به سوی اسلام فراخواند او را به شهادت رساندند. پس از گذشت چند ماه به رایزنی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که تاب مقاومت و جنگیدن با اعراب اطراف خود، که با پیامبر بیعت نموده‌اند را ندارند. لذا در رمضان سال نهم هیئت شش

نفره‌ای را به ریاست عبدیلیل بن عمرو به مدینه فرستادند و مسلمانی خود را اعلام نمودند. (مبارکفوری، ۱۹۹۱م، ۴۱۱)؛ (ابن هشام، ۲۰۰۰م، ۲/۴۵۵) ورود این هیئت به مدینه در سال نهم، قول ابن حجر عسقلانی مبنی بر اینکه غیلان ثقفی همراه همسرانش بعد از طائف ایمان آورده‌اند را ترجیح می‌دهد.

۳- قیس بن الحارث

قیس بن حارث اسدی، مردی از عشیره بنی اسد بود. بنی اسد در سال نهم هجری بعد از جنگ تیوک، هیئتی متشکل از ده نفر را برای مسلمان شدن به محضر پیامبر فرستادند. قیس می‌گوید: وقتی که مسلمان شدم هشت همسر داشتم. نزد رسول خدا رفتم و جریان را به ایشان گفتم. ایشان فرمودند از میان آنها چهار زن را برگزین (دارقطنی، ۲۰۱۱م، ۸۱۳)؛ (ابوداود، ۲۰۰۱م، ۴/۳۳۶)؛ (ابن ماجه، ۲۰۰۵م، ۲/۱۹۲).

بررسی درباره آیات ۲۸ و ۲۹ سوره احزاب

آیات ۲۸ و ۲۹ سوره احزاب که در اینجا با آیه تخییر از آنها نام برده شده است؛ آیاتی است که خداوند در آن به همسران پیامبر در طلاق گرفتن یا ادامه زندگی با پیامبر حق انتخاب داد. اهل حدیث برای آیه تخییر دو سبب نزول روایت کرده‌اند.

۱) حدیث ابن عباس از عمر بن خطاب که دلیل عزلت‌گزینی پیامبر از زنان را آشکار کردن راز پیامبر به وسیله دو نفر از همسرانش می‌داند (بخاری، ۲۰۰۶م؛ ۷۴۲).

۲) روایت جابرکه دلیل عزلت‌گزینی پیامبر از زنان را، مطالبه نفقه از جانب ایشان دانسته است (مسلم، ۱۹۹۸م، ۷۸۴).

هر کدام از این اسباب نزول، داستان مفصلی دارد که در این مختصر نمی‌گنجد. ابن حجر در شرح بخاری آورده است که احتمال دارد که هر دو، سبب دوری پیامبر از زنانش بوده باشد. (ابن حجر، ۲۰۰۰م، ۳۶۳/۱۰).

در روایت آمده است که زنان پیامبر همه گریان بودند. مسجد بسیار شلوغ بود. عمر بن خطاب از پیامبر پرسید که آیا زنانش را طلاق داده است و پیامبر جواب داد که خیر بلکه برای یکماه با آنان ایلاء کرده‌ام. پیامبر بیست و نه روز صبر کرد و بعد به نزد همسران بازگشت. (بخاری، ۲۰۰۶م، ۷۴۴)؛ (نگاه: مبارکفوری،

۱۹۹۱م؛ ۳۹۴).

ابن حجر، با توجه به کلام ابن عباس که [با صیغه متکلم] می‌گوید: فَخَرَجْتُ إِلَى الْمَسْجِدِ. می‌گوید: پس ابن عباس شخصا حضور داشته است (ابن حجر، ۲۰۰۰م؛ ۳۷۸/۱۰).

از آنجا که ابن عباس بعد از فتح مکه، در سال هشتم هجری وارد شهر مدینه شده، (ابن حجر، ۲۰۰۰م؛ ۳۵۷/۱۰) و در روایت ابن عباس نیز آمده است که این داستان موقعی بود که پادشاه غسان خود را برای حمله به مسلمانان آماده می‌کرد که در سال نهم هجری این اتفاق افتاد به این نتیجه می‌رسیم که آیه تخییر در سال نهم نازل شده باشد و پیامبر در آن زمان نه همسر داشت (صلابی، ۲۰۰۶م، ۸۵۶).

بررسی آیات مرتبط سوره احزاب

در سوره احزاب حدود ۱۵ آیه (آیات ۲۸ الی ۳۴ و آیات ۳۷ و ۳۸ و آیات ۵۰ الی ۵۵) در مورد زنان پیامبر سخن می‌گوید که مهمترین آنها آیات ۲۸ و ۲۹ است که در آنها خداوند همسران پیامبر را مختار نمود تا میان دو گزینه‌ی الف (دنيا و ب) خدا، پیامبر و آخرت یکی را برگزینند و آنان خدا و رسول و آخرت را برگزیدند. در آیه ۵۲ همان سوره و به پاس احترام و اکرام آنان، خداوند طلاق آن همسران را بر پیامبر حرام کرد. (ابن کثیر، ۲۰۰۳م، ۶۱۲/۳؛ (ابوحیان، ۲۰۰۲م، ۳۲۴/۷).

در این آیات این موضوعات مطرح شده است:

۱) زنان پیامبر مختارند تا دنیا را و یا خدا و رسول و آخرت را انتخاب کنند. (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكِ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّتْهَا فَعَلَيْنَّ أُمْتَعْنَّ وَأَسْرِحْنَ سَرَّاحًا جَمِيلًا. وَإِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا [احزاب: ۲۸، ۲۹])

۲) همسران پیامبر، در صورتی که مرتکب گناهی شوند دو برابر دیگران عذاب می‌بینند و اگر عمل صالحی انجام دهند دو اجر خواهند داشت. (يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا. وَمَن يَقْنُتْ مِنكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا [احزاب: ۳۱، ۳۰])

۳) پیامبر باید با زینب، همسرِ پسر خوانده خود، ازدواج کند. (وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا. مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا. [احزاب: ۳۷، ۳۸])

۴) زنان پیامبر چون سایر زنان نیستند و خداوند به صورت ویژه آنان را به عنوان اهل البيت مورد خطاب قرار می‌دهد و آنان را به نماز، زکات، حفظ حجاب و اطاعت از خدا و رسول توصیه می‌نماید تا بدین‌گونه آنان را پاک نماید. (يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا. وَقرن في بيوتكن ولا تبرجن تبرج الجاهلية الأولى وأقمن الصلاة وآتين الزكاة وأطعن الله ورسوله إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت ويطهركم تطهيراً. [احزاب: ۳۳، ۳۲])

۵) پیامبر(ص) در امر نکاح دارای احکام اختصاصی است. (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحَلَّلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتِ أَجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتِ خَالَكَ وَبَنَاتِ خَالَاتِكَ اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا. [احزاب: ۵۰])

۶) پیامبر مکلف به رعایت حق قسم میان همسرانش نیست. (تُرْجَى مِنْ تَشَاءِ مِنْهُنَّ وَتُؤْوَى إِلَيْكَ مِنْ تَشَاءِ وَمِنْ ابْتِغَاءِ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ إِذْ تَفَرَّقَ أَعْيُنُهُمْ وَالْأَعْيُنُ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلُّهُنَّ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا. [احزاب: ۵۱])

۷) از این تاریخ به بعد ازدواج برای پیامبر حلال نیست. (لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا. [احزاب: ۵۲])

۸) خداوند مسلمانان را دستور می‌دهد تا اگر کسی از همسران پیامبر چیزی را خواست از پس برده آنان را صدا زند و کسی حق روبرو شدن با آنان را ندارد و آنان مادران مؤمنانند و نکاح آنان را بعد از رحلت پیامبر بر مسلمانان حرام است. (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرِ نَاطِرِينَ إِنَاءُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنْكِحُوا زُجُوجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا. [احزاب: ۵۳])

آیه ۵۰ سوره احزاب بعد از فتح مکه و دو سال پس از آخرین ازدواج پیامبر، در اوایل سال نهم هجری نازل شده است. (ابن هشام، ۲۰۰۰م)، جزء ۳۱۵/۲. مضمون این آیه چنین است: (ای پیغمبر! ما برای تو حلال کرده‌ایم همسرانت را که مهرشان را پرداخته‌ای، و همچنین کنیزانی را که خدا در جنگ بهره تو ساخته است، و عموزادگان، و عمه‌زادگان، و دائی‌زادگان و خاله‌زادگانی که با تو مهاجرت کرده‌اند و زن باایمانی که خویشان را به پیغمبر ببخشد و پیغمبر بخواهد او را به عقد خود درآورد که این خاص تو است و برای سایر مؤمنان جایز نیست (بدون مهریه زنی را به ازدواج خود درآورد). ما خودمان می‌دانیم برای مؤمنان در مورد همسرانشان و کنیزانشان چه احکامی (همچون نفقه و مهریه و شاهدان عقد و عدم تجاوز از چهار زن) مقرر می‌داریم. (اشاره‌ای به علم خود، یعنی سرچشمه احکام گذشته به خاطر آن است) تا این که (از احکامی که خاص تو است دل‌تنگ نبوده و) رنجی گریبانگیر تو نشود. خداوند آمرزنده و مهربان است.)

با توجه به اینکه آیت أُجْرَهُنَّ در آیه با صیغه فعل ماضی آمده است، بایستی مراد از (أَحْلَلْنَا) همسرانی باشند که بیشتر مهرشان پرداخت شده است، یعنی آن نه همسری که بالفعل در عقد پیامبر بوده‌اند. گویا فقط همان زنان بر پیامبر جایز هستند. اما قرطبی بر این باور است که مراد از (أَحْلَلْنَا) صحت ازدواج با هر زنی است که پیامبر مهریه او را پرداخت نماید (قرطبی، ۲۰۰۲م؛ ۷/ ۱۳۵). طبق این تفسیر قرطبی دیگر برای پیامبر در ازدواج مجدد محدودیتی نیست. قرطبی، برای تایید نظر خود به حدیث عایشه

استدلال می‌کند: ما مات رسول الله حتی احل الله تعالی له النساء. یعنی قبل از فوت پیامبر خداوند ازدواج را برای ایشان جایز کرده بود (همان).

ابن عاشور در این مورد نوشته است: (أَحْلَلْنَا) به معنی جواز و اباحه می‌باشد، که در مقابل آن در آیه ۵۲ (لَا يَحِلُّ) استعمال شده است. اضافه کردن ازواج به ضمیر (ک) که مراد شخص پیامبر است، بیانگر آن است که مقصود آیه همان زنانی هستند که در عقد پیامبر بوده‌اند، یعنی آیه از حکمی که سابق است خبر می‌دهد. (ابن عاشور، بی تا، ۲۹۰/۲۱) وی در ادامه نوشته است: مراد از (أَحْلَلْنَا) انشاء نیست، زیرا از موقعی که پیامبر با آنان عقد نکاح بسته است، برای او حلال بوده‌اند.

به عبارت دیگر عبارت (أَحْلَلْنَا) مستلزم آن است که قبل از حلال کردن، منعی وجود داشته باشد.

برخی که به نسخ در این آیه معتقداند می‌گویند: منعی که قبل از این حکم وجود داشته است، آیه ۵۲ (لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ) همین سوره است که در آن آمده است که بعد از این، ازدواج با هیچ زنی برای تو جایز نیست. لازمه این سخن آن است که آیه ۵۲ قبل از آیه ۵۰ نازل شده باشد (قرطبی، ۲۰۰۲، ۱۳۵/۷).

به نظر نویسنده چون دلیلی بر نزول آیه ۵۲ قبل از آیه ۵۰ نیست و بلکه سیاق آیات خلاف آن را ثابت می‌کند؛ لذا منع و حذری که قبل از نزول آیه (إِنَّا أَحْلَلْنَا...) وجود داشته است، همان امر به تحدید زوجات به چهار همسر می‌باشد. یعنی طبق سیاق آیه محدود کردن تعداد مجاز همسران به چهار، حکمی عام است و پیامبر را نیز شامل می‌شد و ایشان هم می‌بایست چهار نفر از همسرانش را برگزیند و بقیه را رها کند. اما خداوند با نزول این آیه، منع و حذر را از پیامبر بر داشت و حکم به بقای نکاح زنان پیامبر داد. شاید چون همسران پیامبر حکم مادران مؤمنان را دارند و ازدواج با آنان برای هر مردی حرام می‌شود و خداوند با نزول این آیه، همسران پیامبر را از این حکم کلی استثناء نمود.

وقتی که رسول خدا زنان خویش را در بین انتخاب خدا و رسول و سرای آخرت یا دنیا، اختیار داد و آنان خدا و رسول و سرای آخرت را برگزیدند، به پاس احترام و اکرام آنان آیات ۵۰ الی ۵۲ سوره احزاب نازل شد که نکاح جدید و طلاق دادن زنان بر پیامبر را حرام کرد. (ابوحیان، ۲۰۰۲، ۳۲۴/۷)؛

(قرطبی، ۲۰۰۲م، ۷/ ۱۳۵) بسیاری از علما از جمله ابن عباس، مجاهد، ضحاک، قتاده، ابن زید، ابن جریر و دیگران می‌گویند: این آیه به خاطر انتخاب درستی بود که زنان پیامبر انجام دادند. وقتی آنان خدا و پیامبر و آخرت را انتخاب نمودند خداوند نیز ازدواج با زن دیگری را بر پیامبر حرام نمود. سپس خداوند این منع را از پیامبر برداشت و نکاح زنان دیگر را بر او حلال کرد، اما پیامبر علی رغم حلال بودن ازدواج با زنان دیگر، با هیچ زنی ازدواج ننمود تا بر آنان منت نهاده باشد. (ابن کثیر، ۲۰۰۳م، ۶۱۱/۳)

نتیجه گیری

با کنار هم چیدن واقعیت‌های تاریخی و بررسی سیر نزول آیات مرتبط، این نتیجه به دست می‌آید که تعدد زوجات پیامبر، قبل از تحدید به چهار همسر و بر اساس جواز آن در عرف رایج بوده است نه به دلیل وجود مجوزی خاص از جانب خداوند. بعد از اینکه آیه تحدید (ممنوعیت بیش از چهار زن داشتن) نازل شد؛ ماندگار بودن آن زنان در نکاح پیامبر؛ جزو احکام اختصاصی آن حضرت به شمار رفت و بر خلاف برخی از اصحابی که بیش از چهار زن داشتند و باید برخی را طلاق می‌دادند برای ایشان جایز نبود که همسران خود را طلاق بدهد.

پیامبر اسلام، در دوره معینی از سال دوم تا سال هفتم هجری با بیش از چهار زن عقد کرد. در آیات ۲۸ و ۲۹ سوره احزاب خداوند همسران پیامبر را اختیار داد که یا دنیا را انتخاب کنند یا خدا و پیامبر و آخرت را (ابن ملقن، ۱۹۹۳م، ۱/ ۱۸) و آنان خدا و رسول و آخرت را برگزیدند و خداوند هم در آیه ۵۲ همان سوره و به پاس احترام و اکرام آنان، طلاق آنان و ازدواج با زن دیگر را بر پیامبر حرام کرد. (ابن کثیر، ۲۰۰۳م، ۳/ ۶۱۲)؛ (ابوحیان، ۲۰۰۲م، ۷/ ۳۲۴) زمانی که آیه سوم سوره نساء، ازدواج با بیش از چهار همسر را حرام کرد؛ مسلمانانی که بیش از چهار همسر داشتند؛ چهار همسر را نگه داشتند و بقیه را طلاق دادند اما چون برای پیامبر جایز نبود که زنان خود را طلاق دهد لذا برای پیامبر جایز شد که همزمان بیش از چهار همسر داشته باشد.

منابع

- ابن حجر؛ احمد بن علی. عسقلانی. (۲۰۰۰م) فتح الباری. بیروت: دارالفکر.
- ابن حجر. احمد بن علی عسقلانی. (۱۴۱۵ق) الاصابة فی تمييز الصحابة. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن عاشور. محمد بن طاهر. (بی تا) التحرير و التنوير. بیروت. مؤسسة التاريخ.
- ابن کثیر. اسماعیل ابن عمر. (۱۹۹۷م) البداية و النهاية. قاهره: هجر للطباعة و النشر.
- مسلم، ابوالحسین بن حجاج (۱۹۹۸م) صحیح مسلم، سعودیة: دار المغنی للنشر و التوزیع.
- نووی، ابو زکریا، یحیی بن شرف، (۲۰۰۳م) روضة الطالبین، سعودیة: دار عالم الکتب.
- ویل دورانت، (۱۳۷۸). تاریخ تمدن، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- هیتمو، محمد حسن، (۲۰۰۹م). الوجیز فی اصول التشريع الاسلامی. بیروت: مؤسسة الرسالة ناشرون.
- ابن ماجه. محمد بن یزید. قزوینی. (۲۰۰۵م) سنن ابن ماجه. قاهره: دار الحديث.
- ابن ملقن. عمر بن علی الأنصاری. (۱۹۹۳م) غایة السؤل فی خصائص الرسول. بیروت: دار البشائر الإسلامیة.
- ابن هشام. ابو محمد عبدالملک. (۲۰۰۰م) السیرة النبویة. بیروت: دارالمعرفة.
- ابو حیان. اثیر الدین محمد بن یوسف اندلسی. (۲۰۰۲م) البحر المحيط. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- بخاری. ابو عبدالله محمد بن اسماعیل. (۲۰۰۶م) صحیح البخاری. ریاض: مکتبة الرشد ناشرون
- بغوی. ابو محمد. حسین بن مسعود. معالم التنزیل (۱۴۲۳ق) بیروت. دار ابن حزم.
- حاکم. ابو عبدالله محمد نیشابوری. (۱۹۹۷م) المستدرک علی الصحیحین. مصر. قاهره: دار الحرمین للطباعة.
- رافعی. عبدالکریم بن محمد قزوینی. (۲۰۰۷م) شرح مسند الشافعی. تحقیق: ابوبکر وائل محمد. قطر: وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامیة.
- دارقطنی. علی بن عمر. (۲۰۱۱م) سنن الدار قطنی. بیروت. دار ابن حزم.
- رشید رضا. محمد. (۲۰۰۷م) تفسیر المنار. بیروت: دارالفکر.
- زحیلی. وهبة. (۱۴۲۲ق). الوجیز فی اصول الفقه. تهران: احسان.
- زکلی. خیرالدین بن محمود. (۲۰۰۲م) الأعلام. بیروت: دارالعلم للملایین.

- شافعی. محمد ابن ادريس. (۱۹۵۱م) مسند الامام الشافعی. بيروت: دارالکتب العلمیة.
- شربینی. شمس الدين. محمد بن محمد. (۲۰۰۹م) مغنی المحتاج الى معرفة الفاظ المنهاج. سوریه: دارالفيحاء و دار المنهل ناشرون.
- صلابی. علی محمد. (۲۰۰۶م) السيرة النبوية. بيروت: دارالمعرفة.
- عامری. يحيى بن ابى بكر. (۲۰۰۹م) بهجة المحافل و بغية الاماثل. بيروت. لبنان: دار المنهاج.
- فواد بن سراج. عبدالغفار. (بی تا) سيرة زوجات الرسول في الدنيا والآخرة. القاهرة: مكتبة التوفيقية.
- قرطبي. ابو عبدالله محمد بن احمد انصاری. (۲۰۰۲م) الجامع لاحكام القرآن. بيروت: دار احیاء التراث العربی.
- مالک بن انس. (۱۹۸۵م) الموطأ. تحقیق: فواد عبدالباقي. بيروت: دار احیاء التراث العربی.
- ماوردی. ابو الحسن البصری. (۲۰۰۳م) الحاوی الكبير. بيروت: دارالفکر.
- مبارکفوری. ابو العلاء. محمد عبدالرحمن. (۲۰۰۱م) تحفة الاحوذی بشرح جامع الترمذی. القاهرة: دار الحديث.
- مبارکفوری. صفی الرحمن. (۱۹۹۱م) الرحيق المختوم. بيروت: دارالفکر.
- مزينی. خالد بن سليمان. (۱۴۲۷ق). المحرر في اسباب نزول القرآن من خلال الكتب التسعة. سعودیة: دار ابن الجوزی.